

بررسی درون نگرانه از معنابخشی زنان زائر به مناسک زیارتی اربعین

نسیم کاهیرده^۱، عفت دماوندی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰)

چکیده

در دوران معاصر حضور زنان به عنوان سوژه‌های فعال اجتماعی در ایفای نقش‌های گوناگون از اهمیت بالایی برخوردار است و به تبع آن در عرصه مناسک دینی نیز توجه و نگاه خاصی را متوجه خود ساخته است. آنچه که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، تلاش برای فهمی همدلانه و درون نگرانه از معنابخشی زنان به مناسک عظیم اربعین است. این فهم از خلال تحلیل گفتمانی روایت‌های زنان زائر- به عنوان بخشی قابل توجه از کنشگران مناسک پیاده‌روی اربعین - از سفر زیارتی‌شان صورت پذیرفته است. این تحقیق به صورت میدانی انجام شده و نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده است. بعد از تجزیه و تحلیل گفتمانی روایت‌های نمونه چهار محور معنایی انگیزشی برای کنشگران تشخیص داده شده است: ۱- گفتمان عشق به امام حسین علیه السلام، ۲- گفتمان احساس وظیفه سیاسی و آمادگی برای ظهور، ۳- گفتمان ثواب و عمل به تکلیف دینی و ۴- گفتمان حاجت و شفا.

کلید واژه‌ها: اربعین، پیاده‌روی اربعین، زنان عاشورایی.

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.
Nasim.kahirdeh@gmail.com

۲. کارشناس ارشد انسان‌شناسی.
damavandi.iffat@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

۲. کارشناس ارشد انسان‌شناسی.

مقدمه

مفهوم مرکزی پژوهش حاضر مناسک است. مطالعه دین از منظر جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در عصر حاضر با اقبال فراوانی روبه‌رو شده‌است. یکی از مباحث مهم در مطالعات اجتماعی دین، فهم و تبیین رفتار دینی است. همه ادیان خالق آرمان‌هایی بوده و اندیشه‌پرداز هستند. البته پیروان این ادیان غیر از نیاز به باور و عقیده دینی، به مناسک نیز وابسته هستند. برای دیندار بودن فقط اندیشیدن به دین کافی نیست؛ بلکه ضرورت حتمی دارد که انسان دین‌دار خود را در سپهر عمل و رفتار دین‌دارانه قرار دهد. از این نظر، پیداست که مناسک در دین تا چه حد اهمیت دارد. در واقع کسی که به آداب دینی عمل کرده است، می‌داند که آرامش درونی، صفای باطن و شوقی که از نظر مؤمن دلیل بر صحت تجربی باورهای وی هستند از آثار و برکات عمل به آداب دینی و عبادی‌اند. در این میان مکان اهمیت ویژه‌ای دارد. «احساس حضور امر قدسی» برای انسان درک معنویت و تجربه مقدس را رقم می‌زند؛ «در این مسیر اگر چه انسان بر روی خاک و زمین قدم برمی‌دارد ولی به واقع با هر قدم که به سوی آن مکان مقدس برمی‌دارد فاصله‌ای معنادار از جهان مادی می‌گیرد و اتصالش به جهان غیرمادی مستحکم‌تر می‌شود». این اتصال، یعنی عملکرد مناسکی و نزدیکی به امر قدسی، برای یک شیعه در فضاهای مناسکی عاشورا و مناسبت‌های پس از آن به بهترین وجه مهیا می‌شود به طوری که برای یک مشارکت‌کننده بیرونی هم به خوبی قابل درک و تجربه کردن است. یکی از مهمترین این فضاهای مناسکی مربوط به ایام زیارتی اربعین است. زیارتی که در منابع روایی شیعی فراوان به آن توصیه شده و در سال‌های اخیر ضمن قرار گرفتن در مرکز توجهات به مرور تبدیل به یکی از اساسی‌ترین مسائل هویتی و حیات شیعه شده‌است. در دنیای جدید، زیارت نه تنها پدیده‌ای رو به افول نبوده، بلکه به نحو قابل توجهی در حال رشد است. رشد چشمگیر استقبال از سفرهای زیارتی، با وجود کاهش مشارکت مردم در کلیسا، توجه بسیاری از پژوهشگران غربی در حوزه‌های مختلف را به خود جلب کرده است. در واقع، روی آوری دوباره به مطالعه علمی این پدیده را باید حاصل افزایش آمار سفرهای زیارتی دانست. برجسته



شدن مکان‌های زیارتی، در تضاد با نظریات عرفی شدن بود که سال‌ها در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی دین سیطره داشت. به همین جهت، پرسش در مورد پدیده سفرهای زیارتی در دنیای مدرن، آغاز مطالعات مربوط به دین عامه از اواخر دهه ۱۹۶۰ در محافل دانشگاهی غرب اهمیت یافت (مارگری، ۲۰۰۸)؛ پرسشی مبنی بر اینکه زیارت چه ویژگی متمایزی در میان سایر ابعاد دینداری دارد که نه تنها کمرنگ نشده، بلکه هر روز بر وسعت و در عین حال پیچیدگی این مفهوم افزوده می‌شود (شریعتی و کاشی، ۱۳۹۴).

در «زیارت اربعین» به‌عنوان مناسک دینی، شاهد بروز طیف گسترده‌ای از تحلیل‌های اجتماعی همراه با تنوع در برداشت‌ها و تفسیرها هستیم؛ اما در اینجا آنچه که مورد نظر است، تلاش برای فهمی همدلانه و درون‌نگرانه از معنا بخشی افراد به این مناسک بزرگ و عظیم است که از خلال تحلیل گفتمانی روایت‌های زنان زائر - به‌عنوان بخشی قابل توجه از کنشگران مناسک پیاده‌روی اربعین - از سفر زیارتیشان صورت گرفته است.

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی و زمینه‌مند است. فلیک (۱۳۸۸: ص ۱۳۸۸.....؟.....) روش‌های کیفی را در سه دسته؛ کنش متقابل نمادین، مردم‌نگارانه و روانکاوانه، توضیح می‌دهد. این پژوهش را می‌توان تلفیقی از رویکرد اول و دوم دانست. در این رویکرد، روایت محقق و سوژه‌های مطالعه توأمان لحاظ می‌شود. روایت هم یک شیوه استدلال و بازنمایی است. انسان‌ها جهان را در قالب روایت می‌فهمند و آن را در قالب روایت بیان می‌کنند (آسابرگر، ۱۳۸۰). منظور از روایت، یک داستان روایی است که نه تنها شامل گفتمان روایی بیان شده توسط راوی است، بلکه شامل گفتمان بیان شده کنشگران و نقل‌قول‌هایی است که راوی از گفته‌های کنشگران ارائه کرده است. روایت‌ها تاریخ سوژه‌ها هستند؛ آنها بیانگر غنا، فقر، احساسات، اندیشه‌ها و تجربیات انسانی هستند. آنها آشکار کننده آسیب‌ها و مزایا هستند، به خلق هویت و واقعیت اجتماعی کمک می‌کنند و حتی باعث دگرگونی می‌شوند و به این دلیل است که روایت‌های ساختارهای ایجاد معنا بررسی می‌شوند. بیشتر پژوهشگران مدعی هستند برخلاف روش‌های کمی،



در روایت‌ها، چند صدایی وجود دارد و این چند صدایی بودن می‌تواند به بازتاب بهتر واقعیت موجود در میدان کمک کند، بر این اساس، در مطالعه میدانی حاضر نیز، روش به‌کار گرفته شده، تحلیل روایت بوده‌است.

نمونه‌های پژوهش با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند و مصاحبه‌ها به شکل کیفی و عمیق در مدت یک هفته در میدان تحقیق (منطقه مرزی چذابه و مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا) انجام شده‌است. سپس مصاحبه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و متن‌های استخراج شده از آنها در قالب ۱۰ روایت^۱ مختلف منظم شده‌اند. در این میان داده‌هایی نیز به‌صورت پراکنده و خارج از قالب مصاحبه‌های متمرکز به‌دست آمده که در اثنای متن و تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته و به آنها نیز استناد شده‌است. هر روایت ابتدا به‌صورت مجزا بیان شده و سپس در کنار سایر روایت‌ها، مورد تجزیه و تحلیل مضمونی قرار گرفته است. محورهای معنایی مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در زمینه تجربه زیارت شامل موارد ذیل بوده است: شرایط خانوادگی، موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چگونگی فراهم شدن مقدمات سفر، دفعات آمدن به زیارت و مدت زمان آن، چگونگی انجام زیارت، حس و حال ناشی از تجربه زیارت، معنای زیارت نزد زائر، تصور زائر از امام علیه السلام، زمینه نزدیکی معنوی، ارادت و عشق زائر نسبت به حضرت، خواسته‌های زائر، نحوه برخورد با خواسته‌های اجابت نشده، خاطرات طول مسیر پیاده‌روی، تأثیرپذیری از جماعت زائران، حالات و تغییرات پس از زیارت، تجربیات معنوی تازه، نذر و عهد و پیمان با امام علیه السلام و تصمیم به زیارت دوباره.

مشخصات زنان زائر (۱۹ تا ۶۵ ساله) که روایت‌های آنها مورد تحلیل قرار گرفته است:

۱. ۳۸ ساله، دیپلم، مجرد، حجاب معمولی، بیکار، وضعیت مالی متوسط، تنها.
۲. ۴۵ ساله، دانشجوی روانشناسی، مجرد، خیلی محجبه، وضعیت مالی خوب، شغل آزاد، همراه اقوام.
۳. ۲۵ ساله، مجرد، بسیار محجبه، طلبه با مدرک دانشگاهی، بیکار، وضعیت مالی متوسط، همراه دوست.

۱. منظور از روایت، یک داستان روایی است که نه تنها شامل گفتمان روایی بیان شده توسط راوی است، بلکه شامل گفتمان بیان شده کنشگران و نقل‌قول‌هایی است که راوی از گفته‌های کنشگران ارائه کرده است.

۴. ۲۸ ساله، متأهل، مهندس عمران، بیکار، حجاب معمولی، وضعیت مالی معمولی، همراه با همسر.
۵. ۴۸ ساله، بیوه، مستخدم اداره بهشت، حجاب معمولی، وضعیت مالی ضعیف، همراه گروه.
۶. ۱۹ ساله، مجرد، دانشجوی بد حجاب، وضعیت مالی ضعیف، همراه گروه.
۷. ۳۵ ساله، متأهل، طلبه، وضعیت مالی ضعیف، همراه همسر.
۸. ۵۵ ساله، متأهل، خانه‌دار، حجاب معمولی، زیردپلم، وضعیت مالی خوب، همراه پسر.
۹. ۴۰ ساله، مجرد، معلم قرآن، وضعیت مالی متوسط، همراه دوستان.
۱۰. ۶۵ ساله، متأهل، بی‌سواد، وضعیت مالی ضعیف، اهل شوش و عرب زبان، همراه اقوام.

بحث نظری

رهیافت معنا، غنی و پیچیده است که انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان برای تبیین دین و بیان ویژگی‌ها و خصوصیت‌های آن و کارکردهایش در اجتماع این رهیافت را به کار گرفتند. طرفداران رهیافت معنا معتقدند دین دارای ابعاد و ساحت‌های گوناگونی است به همین منظور آنها برای توصیف دین علاوه بر بعد جامعه‌شناسی بعد عقلانی و عاطفی را نیز در نظر می‌گیرند. آنها پس از به‌کارگیری رهیافت‌ها به این نتیجه می‌رسند که مهم‌ترین کارکرد و خصوصیت دین معنابخشی آن است، یعنی گزاره‌های دینی به‌گونه‌ای هستند که جهان را برای انسان‌ها معنادار می‌سازند و این عامل را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دین دانسته‌اند (چنگی آشتیانی، ۱۳۸۸). دین با هدفدار نشان دادن زندگی، آن را برای انسان‌ها معنادار می‌سازد. مناسک دین بستری برای برساخت و بازتولید معنا هستند؛ به این ترتیب که فرد مؤمن در بستر مناسک به باورها و عقایدی که از دین دریافت کرده، عمل می‌کند. در جریان ارتباط میان باور و عمل دینی افراد فرایندی از معنابخشی صورت می‌گیرد که تحت تأثیر تجربه دینی افراد در بستر مناسک امکان ظهور و بروز می‌یابد.



زیارت، دیدار خودخواسته اماکن مقدس است که ابعاد عینی و ذهنی دارد. بعد عینی زیارت متضمن نهادمندی و توجیه‌مندی است. در حالی که نهادمندی حاصل انجام مکرر عمل زیارت در چارچوب آداب و احکام معین مذهبی است، توجیه‌مندی عمدتاً شامل مجموعه احادیث و روایاتی است که در فضیلت و ثواب زیارت نقل شده و از طریق فرآیندهای پرورش و یادگیری اجتماعی زیارت را توجیه‌پذیر می‌کند. بعد ذهنی زیارت متضمن درونی‌سازی معنای زیارت است که به آگاهی زائر از خارق‌العاده بودن زیارت‌شونده و خضوع در برابر او می‌انجامد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱).

تجربه دینی / تجربه زیارت دارای سه ویژگی اصلی است: الف) متضمن آگاهی از امر متعالی است (گیسلر، ۱۳۷۵: ۳۹)؛ ب) شخص مذهبی به امر متعالی به‌عنوان غیر خودش آگاهی دارد (همان، ۴۱) و ج) احساسی از خضوع و خشوع در برابر امر متعالی تجربه می‌کند (اتو، ۱۳۸۰). در تجربه زیارت نیز آگاهی به خدا در مقام قادر متعال و آگاهی به امام به‌عنوان واسطه خدا وجود دارد که زائر می‌تواند آن را وصف کند و احساس آرامش، خضوع و خشوع در او ظاهر شود. زیارت نوعی توسل و تمسک به امر مقدس و متعالی تلقی می‌شود که زائر در آن به دنبال معنای گمشده خود می‌گردد، زیارت به سرگشتگی او خاتمه می‌دهد و او را به آرامش می‌رساند (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۱).

تحلیل گفتمانی روایت‌ها

بعد از انجام مصاحبه‌ها که حدود یک هفته به طول انجامید، پیاده کردن مصاحبه‌ها و بررسی متن‌های استخراج شده صورت پذیرفت که در نتیجه آن روایت‌هایی از کنشگران به‌دست آمد. هر روایت ابتدا به صورت مجزا بیان شد و سپس در کنار سایر روایت‌ها، مورد تجزیه و تحلیل گفتمانی قرار گرفت. این روند در نهایت واژگان کلیدی و اپیزودهای معنایی را به‌دست داد که ارائه صورت‌بندی از گفتمان روایت‌ها را امکان‌پذیر ساخت. این صورت‌بندی با چهار محور معنایی انگیزشی برای کنشگران قابل بیان است: ۱- گفتمان عشق به امام حسین علیه السلام، ۲- گفتمان احساس وظیفه سیاسی و آمادگی برای ظهور، ۳- گفتمان ثواب و عمل به تکلیف دینی و ۴- گفتمان حاجت و شفا.

۱- گفتمان روایی عشق به امام حسین (ع)

گفتمان عاشورا و نهضت امام حسین (ع) یکی از گفتمان‌های مهم در تاریخ تشیع و به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران همواره عنصر مرکزی هویت جمعی و دینی شیعه بوده است. گفتمانی که از تقابل مفاهیمی چون حق در برابر باطل، آزادی در برابر اسارت و عظمت و تعالی روح انسانی در برابر پستی و دنائت برآمده است. این گفتمان بر مبنای حقیقتی تاریخی و نه اسطوره‌ای سمبلیک و نمادین است و قرن‌های متمادی افراد را از مکاتب مختلف فکری مجذوب و تحت تأثیر خود قرار داده است. شواهد و اسناد تاریخی موجود نشان می‌دهد که در گذر این دوره طولانی تاریخی و تا به امروز، گفتمان عاشورا نه تنها رنگ تکرار و کهنگی به خود نگرفته بلکه در بستر زمان همراه با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، روایت‌ها و معانی تازه و زوایای پنهانی از آن آشکار شده است. در این میان افراد با نزدیک شدن به گفتمان عاشورا و نهضت امام حسین (ع) به فراخور آمادگی درونی و احساس نیاز از این روایت‌ها و معانی بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این در بستر مناسکی گفتمان عاشورا، فرصتی برای عمل و رفتار دینداران و مؤمنین فراهم می‌شود. یک انسان مؤمن در جریان هماهنگی درونی به نیرویی معنوی و قدسی که همراه با عاطفه و عشق است، دست می‌یابد؛ نیرویی که به‌زعم انسان مؤمن از وابستگی و اتصال به وجود مقدس امام حسین (ع) به‌عنوان انسان کامل و جانشین خداوند بر روی زمین نشأت می‌گیرد. گفتگو با زائران و شنیدن روایت‌های هر کدام شاهد این مدعا است که نقطه اتصال و وابستگی درونی بیشتر افراد به عاشورا و امام حسین (ع) غالباً براساس همین جذبه و عشقی است که با مداومت و آگاهانه، درونی شده است (گیسler، ۱۳۷۵: ۴۱). اما چنانچه دورکیم (۱۳۸۳: ۵۷۳-۵۷۸) بیان کرده است؛ فکر در واقع چیزی جز عنصری از خود ما نیست. پس چنین عنصری چگونه می‌تواند قدرتی به ما بدهد که برتر از قدرت‌هایی باشد که ریشه آنها در طبیعت ماست؟... از این‌که ما چیزی را شایسته دوست داشتن و مطلوب برای خودمان تصور می‌کنیم نتیجه نمی‌شود که ما به صرف این تصور خود را نیرومندتر حس کنیم. برای این کار لازم است که نیروهایی برتر از آنهایی که در خود ما وجود دارند ساطع شود و از این بالاتر،



ما نیز وسایلی داشته باشیم که آن نیروهای ساطع شده را به درون خود ببریم و با حیات درونی مان بیامیزیم. معلوم است که برای رسیدن به این مقصود فقط اندیشیدن به این نیروها کافی نیست بلکه ضروری است که ما خود را در سپهر عمل آنها قرار دهیم و در جهتی بچرخیم که تأثیر آنها را حس کنیم. از این رو زائری که در وجودش عشق، اتصال و وابستگی به امام حسین علیه السلام را باور دارد، در جهت عمل و عینیت بخشیدن به باور خود برمی آید. لذا در درونش اشتیاق به زیارت پیدا خواهد شد؛ چرا که مؤمن در مسیر زیارت به دنبال آن است که آنچه در درون و فکرت خویش از عشق به امام حسین علیه السلام یافته با عمل و سعی خود نمایان سازد.

در بررسی متن روایت‌های زائرنانی که معنای عشق به امام حسین علیه السلام انگیزه اصلی و مضمون پررنگ‌تر در گفتمان روایی آنهاست، منظومه واژگانی و اپیزودهای اصلی معنایی زیر وجود دارد:

واژگان کلیدی: اسامی مقدس: امام حسین، آقا، اباعبدالله، ابوالفضل، حضرت عباس، حضرت رقیه / عشق، محبت، عاشق، دیوانه، واله و شیدا، بهت، بی‌تاب، تشنه / زیارت، زائر، نائب الزیاره، زوار / خدمت، خادم، کنیز.

اپیزودهای اصلی معنایی: قسمت، طلبیده شدن، دعوت شدن، انتخاب شدن، خواسته شدن. زائرنانی که معنای عشق به امام حسین علیه السلام انگیزه اصلی و پررنگ‌تر در روایت آنهاست، کسانی هستند که بیش از دیگران به «دعوت شدن» از سوی امام، «انتخاب شدن» و در ادبیات زیارتی شیعی «طلبیده شدن»، تأکید می‌کنند و در این مورد باور عمیقی داشته و اصرار زیادی بر «خارق‌العادگی» این اتفاق و بیان، اثبات و انتقال چنین باوری به دیگران دارند و معمولاً در آغاز گفتگوشان به این موضوع به‌عنوان مهمترین بخش از قصه زیارتشان اشاره می‌کنند.

موقعیت زنانگی سوژه‌های زائر اگرچه موانعی را برای سفر اربعین ایجاد کرده است ولی در مواجهه با شوق و عشق درونی آنها، معمولاً مرتفع می‌شود و توفیق معنوی به‌دست آمده برای خود را با شادی و اطمینان خاطر روایت می‌کنند: «شوهرم راضی نبود بیایم ولی به او گفتم خودت خوب می‌دانی تمام امام‌ها به یک‌طرف، امام حسین

یک طرف! چه بخواهی و چه نخواهی من می‌روم پس بهتر هست که موافقت کنی. تا دعوت نشوی نمی‌توانی حرکت کنی، من هم دعوت شدم پس هر طور شده باید بروم. به شوهرم گفتم هر کجا مانع شوی قبول دارم و نمی‌روم ولی اینجا را نمی‌توانی بگویی نرو چون خودت می‌دانی تمام عشق من امام حسین هست و من مثل خانم زینب در این راه قدم می‌گذارم» (نمونه ش ۱۰).

بیان این جملات حاکی از حس توانمندی و اقتدار زنان زائر است که در مفهوم عشق، دعوت، طلبیده شدن و انتخاب از جانب معصوم تجلی یافته است. توانمندی و نیرویی که با غلبه بر موانع و مشکلات، پیامد حضور اربعین را برای آنان رقم زده و مقبولیت مشارکت زنانه به شکل وسیع و خارج از حوزه و چارچوب خانواده را برای آنان به ارمغان آورده است. اقتداری که با تکیه و الگوپذیری از بانوی کربلا است: «خانم زینب این راه را با بچه‌ها و دل داغدار طی کرد پس ما هم زینب‌وار در این راه قدم بگذاریم. حضرت با دل پر خون از شهادت برادر مثل شیر در این راه قدم گذاشت و با شجاعت در مقابل دشمن ایستاد. ما هم باید در این راه برویم و از هیچی ترسیم» (نمونه ش ۷).

الگوپذیری و همذات‌پنداری زنان زائر با حضرت زینب علیها السلام به عنوان وجودی مقدس، با اتکاء به باور طلبیده شدن در این راه، عامل مهم انگیزشی حضور آنها در پیاده‌روی اربعین است. باوری که ذهن زائر را برای پذیرش و تحمل کردن رنجی مقدس آماده می‌سازد و با نشانه‌هایی چون؛ ضعف جسمانی، سختی به همراه داشتن کودکان، مشکلات ناشی از حجاب و حفظ حریم با مردان، بروز احساس ترس و ناامنی در محیطی ناشناخته، بازنمایی می‌شود. تأکید و تمرکز بر شخصیت حضرت زینب علیها السلام در تحمل این سختی‌ها عامل اصلی معنابخشی به این رنج مقدس است. در این نوع روایت زائری که در این مسیر بیشترین سختی را تحمل کند از تقرب و منزلت بیشتری برخوردار خواهد بود؛ چرا که با تحمل چنین رنجی، ذره‌ای از مصیبت وارده بر بانوی کربلا را چشیده و با او همراهی و همنوایی کرده است. در این نوع روایت‌ها و اینکه چرا زنان زائر موقعیت‌های دیگری غیر از ایام اربعین را برای رفتن به کربلا انتخاب نمی‌کنند چنین گفته‌اند: «من مخصوصاً فرزندان کوچکم را به همراه می‌آورم تا در راه

متوجه شوم که حضرت زینب با پای پیاده و دل پر از خون و با حضور بچه‌ها چقدر سختی و رنج کشیده‌اند. درسته سفرهای زیارتی غیر از اربعین هم ثواب دارد ولی چون به راحتی می‌روم و بازمی‌گردم برایم دلچسبی این سفر را ندارد. کسانی که اینجا می‌آیند اگر رنج و مشقت نکشن، به نظر من ثوابی هم نبرده‌اند. می‌توانند با هواپیما مستقیم به کربلا بروند و در هتل بخوابند. من مخصوصاً در این راه با پای پیاده و بدون کفش می‌روم تا پاهایم زخم شود و درد بکشم تا به خدای خودم بگویم برای عشق به امام حسین قید جانم را هم می‌زنم اینکه فقط پایم است» (نمونه ش ۷).

از دیگر نموده‌های همذات‌پنداری زنان در این امر آیینی تأکید بر رعایت حجاب بود. حجابی که موافق با نوع پوشش حضرت زینب علیها السلام بوده و از این طریق و با حفظ و نمایش آن میزان ارادت خود را به بانوی کربلا به نمایش بگذارند. از این‌رو غالب پوشش زنان پیش و در طول سفر، چادر و لباس‌هایی به رنگ سیاه بود. تأکید بر این امر نشان از اهمیت آن در این فضای مناسبی بود: «در این سفر باید زینب‌وار قدم گذاشت، حجاب ما نشان دهنده همین است. به نظر من باید پوشش چادر را اجباری کنند چون ما نمایندگان حضرت زینب هستیم و باید نوع حجابمان نیز مانند ایشان باشد. از نظر من اگر کسی می‌خواهد ارادت خودش را به خانم زینب نشان بدهد و دل ایشان را خون نکند باید در این راه با حجاب کامل که همان چادر هست بیاید و بهانه به دست عرب‌ها ندهد، چون آنها واقعاً حجابشان کامل است و رعایت می‌کنند» (نمونه ش ۳).

مصیبت و گریه بر امام حسین علیه السلام یکی از جنبه‌های ارزشی در آیین پیاده‌روی اربعین است. از این‌رو در مسیر نجف تا کربلا موکب‌ها با پخش مصیبت‌هایی از واقعه کربلا و وصف شهادت حضرت عباس و امام حسین علیه السلام فضا را هرچه بیشتر به این واقعه ارتباط داده و بر اندوه آن می‌افزایند. در ذهنیت زنانه نیز این تفکر نقش بسته است؛ از آنجایی که حضرت زینب علیها السلام این مسیر را با اندوهی عمیق از واقعه کربلا و شهادت عزیزانش و بالاخص امام حسین علیه السلام طی کرده‌اند، لذا مویه و سوگواری در طی این راه هر چه بیشتر باشد بر کیفیت و ثواب معنوی آن می‌افزاید. از این‌رو زنان در طول مسیر به ذکر مصیبت کربلا سعی کرده و یا زیارت عاشورا خوانده و از این طریق واقعه

را در ذهن خود یادآوری کرده و به پیوند هر چه بیشتر خود با فضای موجود معنا می‌بخشند: «ما داخل موکب‌ها روضه‌خوانی و سینه‌زنی می‌کنیم چون هر یک قطره اشک برای امام حسین خرمی از آتش جهنم را خاموش می‌کند. تمام ثواب پیاده‌روی اربعین به این است که حال خانم زینب را درک کنی» (نمونه ش ۱).

با این اوصاف می‌توان گفت که دعوت و طلبیده شدن سهم معنایی مهمی در روایت اغلب زنان زائر دارد؛ طلبیده شدن برای طی کردن مسیری پر از سختی و رنج برای هم‌نوایی با امام حسین علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام و دیگر همراهان و شخصیت‌های واقعه عاشورا. طلبیده شدن برای هر زائر معنای خاص خود را می‌دهد: «من اهل شهر امام رضا هستم و ویزای کربلایم را از او گرفتم! اولین بار است که می‌روم، آمدنم معجزه‌آسا جور شد، الان که دارم می‌روم باورم نمی‌شود! امسال کفش‌هایم را در بیت‌الحسین گم کردم. مادرم گفت این نشانه‌ای است که به زودی زائر کربلا می‌شوی» (نمونه ش ۳). و یا فرد میانسالی که در آشپزخانه موکب بین‌راهی به‌طور اتفاقی جزو خادمین امام حسین علیه السلام شده است: «هیچ کس اینجا بدون دعوت نمی‌آید. تا خود اهل بیت نخواهند ما نمی‌توانیم به آنها نزدیک شویم. یکباره به دلم افتاد که به این موکب برای کمک بیایم. فکر می‌کنم امام حسین انتخابم کرده باشد که اینجا به زائرانش خدمت کنم» (نمونه ش ۱). این فرد برای رفتن به زیارت اربعین مشکلی داشته است. در ادامه صحبت‌هایش معلوم می‌شود که برادری معلول در خانه دارد که باید از او نگهداری کند. ظاهراً به‌طور اتفاقی به دعوت یکی از دوستانش به موکب آمده است. از صحبت‌هایش می‌توان فهمید که باور و اعتقاد عمیقی به کاری که انجام می‌داد، داشت. در جملاتش اعتقاد به نیرویی ماورایی نمایان بود که دلیل اصلی حضورش در این مسیر تلقی می‌شد. در واقع نقطه شروع برای حرکت معنوی؛ فاصله گرفتن از امور دنیوی و نزدیکی به امری مقدس است. این فرد آمدن به موکب و جزو خادمین امام حسین علیه السلام شدن را امری مهم تلقی می‌کند و آن را منتسب به امام حسین علیه السلام می‌داند: «آمدم اینجا برای خدمت به زوار شاید توی چند روز باقی مانده آقا جواز رفتنم را صادر کند». در اینجا فرد مؤمن عمل خیر خود را مقدمه‌ای برای پذیرفته شدن و دعوت شدن از سوی امام علیه السلام تلقی می‌کند. در واقع تحویل دینی فرد،



در یک کشف شهودی، این عمل عادی خود را مقدّس می‌بیند و برای آن ورای مناسبات عادی و دنیوی و علی‌رغم موانع ظاهری پیش‌رو نتیجه‌ای فوق‌طبیعی را -که طلبیده شدن برای زیارت است - انتظار می‌کشد.

بیان عشق و محبت به امام علیه السلام: مهربان بودن، لذت معنوی عشق به امام، گره‌گشا بودن، حامی بودن، بهت و حیرت در حرم، احساس نزدیکی به امام، گفتگوی عاشقانه داشتن با امام، احساس تشنگی و عطش برای رفتن به حرم، وصف ناپذیر بودن عشق به امام.

نوع بیان و روایت عاشقانه افراد به امام حسین علیه السلام، عشق و کشش به سوی کسی است که فرد با تمام وجود و اطمینان کامل در ارتباطی نزدیک و معنوی با او است. ارتباطی عاشقانه که مبتنی بر داد و ستدی همیشگی و بدون انقطاع با معشوقی فرازمینی است؛ به‌طوری که داشتن حال خوب، همراه با آرامش و حل شدن مشکلات و مرتفع شدن سختی‌های زندگی‌اش را از جانب او می‌بیند: «هر گره‌ای تو زندگی‌مان بوده در روضه امام حسین باز شده‌است» (نمونه ش ۵). به‌نظر می‌رسد این ارتباط عاشقانه در میان زنان جوان‌تر نوعی پاسخ به نیاز عاطفی برای دوست داشته شدن و برخوردار شدن از یک حامی و پشتیبان قابل اطمینان باشد: «وقتی کسی را دوست داری همه فکر و حواست پیش اوست. تنها کسی که هوای من را دارد امام حسین است. دو ماه هر شب در یک ساعت خاص برای روضه اباعبدالله طلبیده شدم. امام حسین دوستم دارد و نمی‌گذارد در این مسیر سختی بکشم. برایم ثابت شده که هیچ کس جز امام حسین به دادم نمی‌رسد و دیوانه‌وار عاشقش هستم. بی‌تاب شده بودم نمی‌توانستم دوریش را تحمل کنم» (نمونه ش ۳). در این جملات روایت‌کننده به گونه‌ای از احساس و عشق خود به امام حسین علیه السلام دون حفظ آداب مرسوم و مورد انتظار سخن می‌گویند. به‌نظر می‌رسد اغلب این عشق ناشی از ایمانی است که در گره‌گشایی امام حسین علیه السلام از گره‌های زندگی‌شان و حل کردن مشکلات لاینحلشان پیدا کرده‌اند: «خواهرم دختر کوچیکش را از همین زیارت اربعین دارد. خانه، زندگی و فرزند صالح و همه چیزم را از امام حسین دارم. با آوردن پسرانم در این مسیر بیمه‌شان می‌کنم، امام حسین

خودش آنها را در راه دین قرار می‌دهد. هر گره‌ای در زندگی‌مان بوده در روضه امام حسین باز شده است» (نمونه ش ۸). «برادری دارم که به شیشه معتاد بود و پارسال به نیت ترک آمد. الان خداروشکر پاک شده است» (نمونه ش ۵). این جملات حاکی از ارادت و عشقی است که همچنان در درونشان وجود دارد. در روایت عاشقانه از امام حسین علیه السلام، فرد مؤمن از احساس و عاطفه شدیدی در درون خود سخن می‌گوید که معتقد است هر کس باید تجربه کند و توصیف‌ناپذیر است. عاشق امام حسین علیه السلام خود را تحت تأثیر جذبه و کششی آسمانی می‌بیند که در او عطشی سیری‌ناپذیر برای زیارت ایجاد کرده است؛ از این رو تنها چاره پایان دادن به این عطش را رسیدن به کربلا می‌داند.

«زیارت سفری است که توسط فرد یا افرادی در طلب مکان یا حالتی که آن را تجسم یک ایده‌آل ارزشمند می‌دانند، صورت می‌گیرد». کربلا، یکی از مظاهر امر قدسی برای زائران است؛ چنانچه با حسرت از رسیدن به این مکان مقدس سخن می‌گویند: «حس می‌کنم اگر به کربلا برسم فقط گریه کنم. اصلاً طاقت نیاورم و از غصه بمیرم. آنجا که برسم فکر نکنم بتوانم چیزی برای خودم بخواهم فقط همین که قسمتم بشود بروم پیش آقا برایم کافی است» (نمونه ش ۱). این روایت عاشقانه از زبان زائران برگشته از سفر شکل دیگری دارد که به نظر می‌رسد تحت تأثیر مکان و فضای شهر کربلا به‌ویژه حرم باشد: «حرم امام حسین خیلی حال و هوای سنگینی داشت. دیر می‌شد ارتباط برقرار کرد... هنوز سنگینی عصر عاشورا را می‌توان حس کرد...» (نمونه ش ۳). «آدم وقتی حرم امام حسین می‌رود، تازه می‌فهمد مصیبت حسین اعظم مصیبت‌ها است» (نمونه ش ۹).

به نظر می‌رسد درک امر قدسی در حرم، به‌واسطه از میان رفتن فاصله مکانی پررنگ‌تر است. یعنی حرم و ضریح، منبع اصلی و هسته انتشار نیروهای قدسی هستند که مشاهده و احساس حضور امر قدسی را برای زائر ملموس‌تر می‌سازند. زائر به محض ورود به محدوده حرم، «حضور» را احساس می‌کند که در مکان‌های دیگر وجود ندارد. تشریف یافته در محیطی که سرشار از احساس دیانت است زندگی می‌کند و خود گویی سرشار از چنین احساسی است (کاشی، ۱۳۹۴). این تجربه قدسی چنان



قوی است که تا روزهای بعد و در بازگشت زائر به زندگی عادی و حضور در مکان غیر قدسی، نوعی احساس حرمان و دلتنگی را به همراه دارد. بعضی از زائران در هنگام بازگشت از زیارت این دلتنگی را چنین بیان می‌کنند: «الآن که برگشتم خیلی دل‌تنگم... از همه بیشتر دل‌تنگ حرم حضرت عباس هستم... چون بیشترین سلام را به ایشان دادم... صبح و شب از مسیری می‌رفتیم که دقیقاً رو به روی گنبدشان بودم... هر لحظه دلم هوایی می‌شود... با اینکه مریضی سختی توی سفر گرفتم اما آنقدر این سفر شیرینی و آرامش دارد که سختی‌هایش را آدم به جان می‌خرد» (نمونه ش ۳).

جامعه‌پذیری محبت امام حسین علیه السلام عشق به امام علیه السلام از کودکی تحت‌تأثیر مادر و خانواده، حضور در مجالس عزاداری، بانی روضه بودن، تأثیر فضای روضه‌ها در بیداری افراد، تأثیر محرم و صفر در نزدیک شدن به اهل بیت، حضور در روضه‌ها مقدمه سفر اربعین.

در روایت زائرانی که معنای عشق به امام حسین علیه السلام انگیزه اصلی و پررنگ‌تر در روایت آنها است، عشق به حضرت نیرویی خاص و جذبه‌ای توصیف ناشدنی است که از دل خاطرات گذشته و ایام کودکی آنها بیرون آمده است. در روایت این افراد متولد شدن و زندگی در یک خانواده دوستدار اهل‌بیت و مذهبی و تحت تأثیر باورهای والدین به‌ویژه مادر، مقدمه ایجاد محبت و عشق به امام حسین علیه السلام در وجود آنها بوده است که به مرور زمان در بستر جامعه و حضور در مکان‌هایی مثل مسجد، مجالس و هیئت‌های مذهبی و تأثیر پذیرفتن از دوستان هیئتی و مذهبی، پررنگ‌تر و شدیدتر شده است: «من از بچگی عاشق امام حسین بوده‌ام. امام حسین چیز دیگری است» (نمونه ش ۵)؛ «در روضه‌های امام حسین بزرگ شده‌ایم. مادرم با اشک بر امام حسین به ما شیر داده است» (نمونه ش ۴)؛ «عشق شدید به امام حسین از حضور و خادمی در بیت‌الحسین در من زده شد. چند سالی ست که تغییراتی در خودم حس می‌کنم که همه‌اش را نتیجه این رفت و آمد به بیت‌الحسین می‌دانم. در محرم و صفر خیلی به امام حسین نزدیک می‌شویم ولی بعد از آن دوباره در زندگی‌هایمان غرق می‌شویم. چند سالی که مرتب به مجالس عزاداری و روضه می‌روم کلاً آدم دیگری شدم. الان که دارم می‌روم زیارت اربعین وقتش است! یعنی عشق به امام حسین در درونم به اوج خودش رسیده است»

(نمونه ش ۳)؛ «زیر خیمه اباعبدالله هرکس به طریقی عشق و ارادتش را نشان می‌دهد ما هم با پیاده رفتن» (نمونه ش ۲).

دلالت‌های افراد برای بیان عشقشان به امام حسین علیه السلام تبیین‌کننده روند جامعه‌پذیری محبت نسبت به حضرت است. زائران با بیان چنین جملاتی به طولانی و ریشه‌دار بودن ارادت و علاقه خود به امام حسین علیه السلام تأکید می‌کنند. اینکه محبتشان مقطعی و زود نگذر نیست و سالیان زیاد همراه و در متن زندگی معنوی ایشان بوده‌است؛ برخی از همان محیط خانواده و از والدین و برخی دیگر در مواجهه با یک اتفاق یا یک محیط مثل حسینیه و هیئت.

کارکردهای عشق به امام علیه السلام: خدمت عاشقانه به زوار امام، رها شدن از غم و غصه‌ها و مشکلات زندگی، همبستگی و همدلی پیدا کردن با عاشقان امام، تغییر راه و روش زندگی، با حجاب شدن، تصمیم به بهتر شدن و گناه نکردن، شرمندگی و خجالت از گناهکار بودن، احساس رضایت از عشق به امام حسین، تغییرات مثبت در زندگی.

در روایت عاشقانه این افراد دلیل هر فعالیت خیر و خداپسندانه‌ای، امام حسین علیه السلام است؛ تا آنجا که خدمت به مسافران خسته از راه به این علت که عاشق و زائر امام حسین‌اند، انجام می‌دهند و ثوابش را هم‌ردیف با زیارت امام حسین علیه السلام می‌دانند: «خدمت به زوار امام حسین عین رفتن به زیارت امام حسین است. زائران به حال ما حسرت می‌خورند و می‌گفتند شما زائر واقعی هستید و ثوابتان بیشتر است. هر وقت به زائر خسته‌ای خدمت می‌کنم انگار تمام دنیا را بهم دادند. کار اینجا با کار بیرون فرق میکند خستگی ندارد. توی خونه بند نمی‌شوم و دوست دارم برای خدمت به زوار به موکب بیایم؛ چون اینجا انگار در خود کربلا هستم» (نمونه ش ۱).

فرد به واسطه حضور در موکب و تجربه فضای معنوی و احساسی مقدس که در هنگام خدمت به زائران پیدا می‌کند، اشتیاق دوباره برای عمل می‌یابد. این اشتیاق ماندن در خانه را برایش ملال‌آور می‌کند و در مقابل، خستگی کار در موکب را دوست داشتنی می‌سازد چرا که در آن احساس رضایتی معنوی وجود دارد. خدمت به زائران فراهم آوردن مقدمات برپایی مناسک زیارت محسوب می‌شود. ادله جامعه‌شناختی متعددی



وجود دارد که بخش عمده‌ای از کارکردهای دین از جمله انسجام‌بخشی، التیام‌بخشی و تخلیه عاطفی از طریق انجام مناسک حاصل می‌شود (همیلتون، ۱۳۸۷). افراد در مورد فعالیت مناسکی خود می‌گویند: «از تصور اینکه این ایام بگذرد و اربعین تمام شود دلمان می‌گیرد. اینجا که هستیم انگار هیچ غم و غصه و مشکلی در زندگی نداریم، ای کاش اربعین تموم نشود» (نمونه ش ۱). به نظر می‌رسد این عشق نسبت به امام حسین علیه السلام نوعی توان جدید و مضاعفی در افراد ایجاد می‌کند به طوری که از انجام خدمت به زوارش در ساعت‌های طولانی نه تنها احساس خستگی ندارند بلکه نشاط، شادی و همدلی را تجربه می‌کنند که در موقعیت‌های عادی و روزمره زندگی از آن خبری نیست. در چنین موقعیتی فرد در سپهر عمل قرار می‌گیرد و باورهای مذهبی به رفتارهای عملی پیوند می‌خورند (دورکیم، ۱۳۸۳).

عشق و احساس وابستگی به وجود مقدس امام حسین علیه السلام در زندگی و رفتار فرد مؤمن تأثیر فراوانی دارد: «عشق به امام حسین و حضور در مجالس عزاداری حضرت زندگی‌ام را تغییر داده و آدمی دیگری شدم. امام حسین حجابم و روش زندگی‌ام را تغییر داد» (نمونه ش ۳). در واقع ارتباط معنوی با وجودی متعالی فرد را به سمت باورها و آرمان‌های جدیدی سوق داده که پیش از این بی‌خبر یا نسبت به آنها بی‌اعتنا بوده است.

۲- گفتمان روایی احساس وظیفه سیاسی و آمادگی برای ظهور

مفهوم «ظهور» در تشیع تعاریف مختلفی دارد و رویکردها نسبت به این امر- از علم و روشنفکران گرفته تا مردم عادی - بسیار متفاوت هستند. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، «کسب آمادگی برای ظهور» به‌عنوان یکی از شعارهای مهم در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی؛ با هدف گسترش قدرت اسلام و تشیع در جهان مطرح شد. مبنا بودن این هدف در سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی و انجام فعالیت‌های گسترده در حوزه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی نظام موجد گفتمانی ایدئولوژیک با محوریت موضوع ظهور در میان مذهبی‌ها بوده‌است و زیارت اربعین به‌عنوان یکی از گردهمایی‌های مناسکی مهم سال‌های اخیر بستر ظهور و بروز پررنگ‌تر این نوع گفتمان

در جامعه شده است. در بررسی روایت‌های زائرنانی که «احساس وظیفه سیاسی و آمادگی برای ظهور» انگیزه اصلی و پررنگ‌تر در روایت آنها است، موارد معنایی زیر مشاهده شد:

واژگان کلیدی: امام زمان، آقا، مولا، حجت، ظهور، مهدوی، مهدویت، مهدی فاطمه، منتظران/نهیضت، انقلاب، جهاد، همایش، صحنه/شیعه، تشیع، شیعیان/رهبری، ولایت، امام خامنه‌ای/تبلیغ، مبلغ، روشنگری/شهادت، شهید، دفاع مقدس، مدافع حرم.

اپیزودهای اصلی معنایی: عوامل انگیزشی: احساس وظیفه داشتن، جهاد با نفس، دل بردن از دنیا و ظواهرش، ترس از محرومیت معنوی، لبیک گفتن به ندای تاریخی امام حسین، تأثیر پذیرفتن از دوستان و محیط‌های مذهبی انقلابی.

در روایت این افراد «احساس وظیفه داشتن» از دال‌های محوری و برجسته‌ترین معانی است؛ چنانچه آن را علت و انگیزه اصلی سفر می‌دانند. انگیزه‌ای که ناشی از اهمیت دادن به وجه سیاسی و ایدئولوژیک حضور در مسیر پیاده‌روی اربعین است. معنابخشی این زائران به مناسک اربعین تلاش برای آمادگی و انجام مسئولیت در قبال برقراری حکومت جهانی و «آرمانی» مهدوی است که در باور این افراد با ظهور امام زمان تحقق خواهد یافت؛ حکومتی که قرار است به مشکلات، بحران‌ها و کاستی‌های جامعه بشری پایان دهد و جامعه‌ای آرمانی را به ارمغان آورد. این یافته بر اساس دیدگاه «استارک و بین بریج» که «دین» به‌عنوان عامل «جبران» مطرح شده، قابل تبیین است. دیدگاهی که معتقد است هرگاه انسان نتواند آرزوهای خود را برآورده کند، سعی می‌کند عامل جبران‌کننده فراطبیعی - مثل دین - پیدا کند که قادر باشد آرزوهایش را برآورده کند (همیلتون، ۱۳۸۷). در واقع گفتمان «مهدویت و ظهور» به واسطه وعده‌ای مطرح شده است که مذهب تشیع به پیروانش می‌دهد. معنایی امیدبخش که همه افراد را در یک باور و احساس لاهوتی به شکل واحد هم‌ذات می‌سازد. این معنای امیدبخش باعث ایجاد وحدت، همبستگی و انسجام جامعه دینی شیعه می‌شود. از این رو مراسم اربعین بستری است که منجر به بیداری بیشتر افکار و احساسات مهدوی می‌شود. در این فضای مناسکی ایمان فرد به آمدن امام زمان به‌عنوان منجی آخرالزمان دوباره در بین



مؤمنین یادآوری می‌شود؛ چرا که ایمان مشترک کاملاً به‌طور طبیعی در قلب این گروه تشکیل شده و دوباره تقویت می‌شود. و بر تمام تردیدهای شخصی که در اذهان فردی ظاهر می‌شود، غلبه خواهد کرد. افراد به‌خاطر احساس قوی‌تر بودن، مطمئن‌تر هستند زیرا نیروهایی که از توان افتاده بودند دوباره در آگاهی‌ها زنده می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۸۲).

نیروی ایمان درون فرد که در تجربه حضور در میان جماعت‌های مناسبی تقویت می‌شوند، موجب احساس وظیفه‌ای است که آنها را وادار به کنار گذاشتن کار روزمره، زندگی و تعطیل کردن فعالیت‌های جاری خود می‌کند: «آمدن به پیاده‌روی اربعین را باید به‌عنوان وظیفه انجام دهیم نه صرفاً سفری برای «حال خوش معنوی». هرچند قدم کوچکی است برای ظهور آقا. احساس تکلیف باعث می‌شود که این سفر دستاورد معنوی بیشتری داشته باشد. آمدن خودی به امام حسین نشان دهم و به حرکت میلیونی اربعین پیوندم و اینکه شاید امام زمان هم روی ما حساب کند. حرکت من اگرچه همراه شوق و عشق به اهل بیت است ولی به‌لحاظ منطقی و عقلانی حرکتی کاملاً معقول و هدفمند است» (نمونه ش ۹). «همسرم هر سال کارش را یک هفته تعطیل می‌کند و برای زیارت اربعین می‌آید. بچه‌هایم را به امام حسین امانت سپرده‌ام. خودش حافظ آنها خواهد بود. دلم را از دنیا بریده‌ام برای امام زمانم». «اگر من از خانه‌ام سلام دهم و تو از خانه‌ات سلام دهی؛ دیری نمی‌پاید که داستان کربلا از یادها می‌رود. پیاده‌روی اربعین کاری زینبی است. از هر خانواده حداقل یک نفر باید در پیاده‌روی اربعین شرکت کند» (نمونه ش ۷).

هرگونه هم‌ذات شدگی وجدان‌ها، به هر شکلی که باشد بر نیروی محرک و سرزندگی اجتماعی می‌افزاید (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۷۵). از این‌رو فردی که در درونش اندیشه واحد جمع یعنی تلاش برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان را باور کرده است با انجام این وظیفه احساس رضایت فراوانی به‌دست می‌آورد تا بدانجا که اهمیتی به سختی‌ها و مشکلات آن نمی‌دهد و از پیامدهای آن نیز نگرانی ندارد. احساس رضایتی که باعث می‌شود مادر برای شرکت در پیاده‌روی اربعین، بچه‌های کوچکش را تنها در خانه گذاشته و تمام دلواپسی‌های مادرانه خود را کنار بگذارد و با آرامش بگوید: «بچه‌هایم را

به امام حسین امانت سپرده‌ام، خودش حافظ آنها خواهد بود، با تنها گذاشتن بچه‌ها در خانه تمرین درس توکل می‌کنم. از مرز که بگذری انگار آدم همه چیز را جا می‌گذارد علائق، بچه، خانه و زندگی دنیا» (نمونه ش ۷). این افراد غالباً به دنبال زندگی معنوی‌تر هستند و حضور در مناسک پیاده‌روی اربعین را فرصتی برای فرار از روزمرگی‌ها و ظواهر دنیا می‌بینند. در این نگاه می‌توان حس «رهایی» حاصل از وجه آستانگی زیارت را مشاهده کرد. اهمیت جدایی از زندگی روزمره، یادآور مفهوم «آستانگی» ویکتور و ادیت ترنر (۱۹۷۸) از مهمترین نظریه‌پردازان اولیه حوزه زیارت است. از نظر آنها، آستانگی یکی از مفاهیم کلیدی تجربه زیارت است. مقصود از آستانگی در رویکرد ترنر، وضعیتی است که افراد از ساختارهای اجتماعی جدا شده‌اند، اما هنوز وارد ساختار جایگزینی نشده‌اند. زیارت در این رویکرد، زائران را از محیط روزمره و معمول خود جدا می‌کند و آنها می‌توانند نوعی رهایی از ساختارها، سلسله مراتب و محدودیت‌های محیط عادی زندگی روزمره را تجربه کنند (شریعتی و کاشی، ۱۳۹۴).

مفهوم آستانگی و جدایی از محدودیت‌های زندگی روزمره همواره جزئی از تجربه زائران است: «دلم را از خانه و زندگی، بچه‌ها، دنیا و وابستگی‌هایش بریده‌ام. زندگی، کار و شغل همیشه هست ولی توفیق آمدن به زیارت ممکن است همیشه به ما داده نشود». این افراد از همان شروع حرکت، خود را در مسیر سلوک معنوی و جهاد با نفس می‌بینند. حرکتی که دستاورد گذر از سختی‌ها و رنج‌هایش قرار است قرب به امام علیه السلام باشد. این مسیر در واقع نوعی عرصه آزمایش شدن و محک خوردن برای ایمان افراد دانسته می‌شود. مسیری که پا نگذاشتن در آن عامل محرومیت معنوی و از دست دادن نگاه و توجه حضرت تلقی می‌شود؛ نگاهی که ناشی از آگاهی شخص مذهبی به امر متعالی (وجود مقدس امام) به‌عنوان غیر خودش است (گیسلر، ۱۳۷۵: ۴۱): «حتی برای آمدن هم پول کافی نداشتیم و من یک انگشتر طلا داشتم که فروختم. سختی‌های این مسیر مدام آدم را سر دوراهی می‌گذارد. انگار امام حسین آدم را مرتب آزمایش می‌کند. آدم در مسیر کربلا مدام در ابتلا است، هر اتفاق و حادثه حتی اگر به اندازه گرفتن یک ظرف غذا از حرم امام حسین باشد، آدم را به فکر فرو می‌برد که آیا من لیاقت دارم یا نه، آیا امام حسین مرا پذیرفته یا نه؟» (نمونه ش ۷).

تأثیر دوستان و آشنایان و گروه‌هایی که فرد در آن عضویت دارد نیز در ایجاد انگیزه سفر قابل توجه است. برای نمونه در بسیاری از گروه‌ها و محافل مذهبی انقلابی که غالباً فضایی ایدئولوژیک و سیاسی دارند، به این موضوع اشاره شده است: «به پیشنهاد یکی از دوستانم در پایگاه بسیج اداره دقیقه ۹۰ راهی شدم» (نمونه ش ۹)؛ «به وسیله دوستانم از هیئت زینبیه در محله قدیم‌مان ثبت نام کردم» (نمونه ش ۳)؛ «به نیت یکی از شهدای دفاع مقدس راهی این سفر شدم چون اگر شهدا نبودند راه کربلا باز نمی‌شد» (نمونه ش ۷).

دلالت‌های سیاسی و ایدئولوژیک: گسترش قدرت شیعیان و جمهوری اسلامی، احساس هویت و عزت‌مندی شیعه، هویت شیعه بودن و حسینی بودن، وحدت ملت‌های شیعه، صدور تفکر امام و انقلاب، ناامید کردن دشمنان، حمایت از رهبری امام خامنه‌ای و ولایت، تبلیغ اسلام ناب، روشنگری برای رفع شبهات اعتقادی، ادامه راه شهدای دفاع مقدس.

در متن مصاحبه افرادی که «احساس وظیفه سیاسی و آمادگی برای ظهور» وجه غالب در روایت آنها از اربعین است، دلالت‌هایی سیاسی و ایدئولوژیک نمود بارز دارد. توجه به گسترش قدرت جمهوری اسلامی به‌عنوان پایگاهی برای حمایت از شیعیان سراسر دنیا و نیز عامل وحدت شیعیان که در حرکت اربعین و با شرکت پرشور مردم ایران تقویت شده است: «الان همه شیعیان چشم امیدشان به جمهوری اسلامی است. شیعه با این حرکت میلیونی اربعین عزت زیادی پیدا کرده و این پیاده‌روی همایشی سیاسی است» (نمونه ش ۲)؛ «از این مسیر هر کس یک جور استفاده می‌کند. من هم به نیت یکی از شهدا قدم برمی‌دارم چون شهدا زنده‌اند و روحشان ما را همراهی می‌کند، یک تکه از لباس این شهید همراهم هست» (نمونه ش ۷). این افراد حضور در پیاده‌روی اربعین را به‌نوعی نمایش موضع سیاسی حسینی بودن تلقی می‌کنند و معتقدند اگر کسی واقعاً دنباله‌رو حرکت و نهضت امام حسین علیه السلام است باید در این صحنه حضور داشته باشد و نسبت به آن بی‌تفاوت نباشد: «بعضی‌ها فقط ادعای امام حسینی بودن دارند ولی حاضر نیستند کمی به خودشان سختی بدهند و چند روز هم که شده از زندگی و

شوهر و بچه دل بکنند، اصلاً آوردن بچه‌ها هم خودش نوعی آموزش و بینش سیاسی است و به آنها بصیرت می‌دهد» (نمونه ش ۷).

زمینه‌سازی ظهور امام زمان: آمادگی فردی برای ظهور، آموزش و انتقال مفهوم ظهور به نسل بعد، اجتناب از روزمرگی، نزدیکی زمان ظهور، شوق ظهور خواهی اربعین، زحمات خالصانه مشتاقان ظهور.

در برخی از روایت‌ها معنای غالب امام زمان و امر ظهور برجسته‌تر است. افرادی که چنین روایتی از اربعین دارند با هدف آمادگی فردی برای امری نزدیک و قریب‌الوقوع راهی مسیر پیاده‌روی اربعین شده‌اند: «اربعین آغاز حرکت مردم برای شکل‌گیری جامعه مهدوی و نشانه نزدیکی زمان ظهور است. تحول دل‌ها در اربعین علامت این است که خبری در راه است. پیاده‌روی اربعین، رزمایش و آمادگی برای شیعیان است که در انتظار ظهور امام زمان‌اند. پیاده‌روی اربعین جدا از معنویات فردی و حال خوب برای هر زائر، موجب اتحاد شیعه است» (نمونه ش ۹). همچنین زن جوانی که طلبه است به همراه عده‌ای از دوستانش حرکتی فرهنگی را برای گسترش تفکر مهدویت شروع کرده‌اند. گروهشان قرار است در حرم امام علی حلقه‌های معرفتی نهج البلاغه خوانی داشته باشند. اعضای گروه در مسیر پیاده‌روی یک لوگوی ویژه را هم با خود دارند تا از این طریق حرکت خود را تبلیغ کنند: «از امام حسین می‌خواهم کمک کند نهضتی را که شروع کردیم گسترش بدهیم» (نمونه ش ۹).

افراد صاحب این روایت برنامه مشخص‌تری برای سفر دارند. غالب این افراد کسانی هستند که از روزمرگی زندگی گریزان شده و در زندگی معنوی خود به دنبال فعالیت و تلاشی مقدس هستند و این تلاش را در راستای فعالیت‌های مهدوی و امام زمانی شکل داده‌اند. در این فعالیت‌ها آموزش و جهت‌دهی به نوجوانان و جوانان مورد توجه ویژه آنها است: «این مسیر بهترین فرصت و زمینه برای مبلغین به جهت آگاهی دادن به مردم و آشنا کردن آنها با معارف و سبک زندگی اسلامی است. همراه عده‌ای از دوستانم حرکتی فرهنگی را برای گسترش تفکر مهدویت شروع کرده‌ایم. با گروه قرار است در حرم امام علی حلقه‌های معرفتی نهج البلاغه‌خوانی داشته باشیم. اعضای گروه

در مسیر پیاده‌روی یک لوگوی ویژه را هم با خود دارند تا از این طریق حرکت خود را تبلیغ کنیم» (نمونه ش ۷)؛ «هر هفته در منزلمان جلسات مهدویت داریم. اعضای همان جلسات معمولاً با هم به پیاده‌روی اربعین می‌آییم، اینقدری که با این دوستان امام زمانی هستم با فامیل رفت و آمد ندارم. آوردن بچه‌ها و نوجوان‌ها باعث می‌شود که از بزرگترها یاد بگیرند و آنها هم این راه را ادامه بدهند. با دوستان همراه قرار گذاشته بودیم که حتماً یک نشانه ظهور همراه داشته باشیم (پرچم، سربند، یا کوله نوشته مهدوی)»؛ «در مسیر با حجابم پیام خانم زینب را منتقل می‌کنم» (نمونه ش ۹).

این افراد تلاش مقدس خود را ناشی از شوق دیدار امام زمان، مخلصانه و بدون هیچ چشم‌داشتی می‌دانند: «همه خستگی‌ها، سختی‌ها و مریضی‌هایمان فدای یه تار موی مهدی فاطمه» (نمونه ش ۲). این اشتیاق زیاد ناشی از «تجربه تعلیق امر مادی و روزمره» به همراه پشتوانه‌ای اعتقادی و ایدئولوژیک است که داشتن هدفی متعالی را برای فرد مؤمن ترسیم کرده، سختی‌ها و خستگی‌ها را به رنجی مقدس و احساسی شیرین و لذت‌بخش بدل ساخته که در پایان در ذهن فرد معنایی عمیق از ارتباط با وجود مقدس امام را می‌نمایاند.

۳- گفتمان روایی ثواب و عمل به تکلیف دینی

یکی از مهمترین معانی که از تحلیل روایت‌ها به دست آمده، مفهوم «ثواب» یا «پاداش اخروی» است. انگیزه‌ای قوی که افراد زیادی را برای زیارت مشتاق می‌سازد. ثوابی که با تطهیر روحی فرد زائر-که در ازای طاعت و بندگی خداوند و عمل به تکلیف دینی به دست آورده- قرار است از ترس‌ها و دلهره‌های مربوط به زندگی پس از مرگ او کم کند و به او آرامش و اطمینان قلب دهد.

مجموعه احادیث و روایاتی که در فضیلت و ثواب زیارت از پیامبر اسلام ﷺ و امامان شیعه: نقل شده و از سوی مراجع شیعی نیز مورد تأکید قرار گرفته است و از طریق فرآیندهای پرورش و یادگیری اجتماعی زیارت را توجیه‌پذیر می‌کند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱). از جمله احادیث معتبری که در آن به انجام زیارت سفارش شده و



تأکیدات آن در حافظه اجتماعی شیعیان ماندگار است می‌توان به روایاتی از پیامبر ﷺ اشاره کرد: «هر که مرا یا یکی از اولاد مرا زیارت کند، در روز قیامت او را زیارت می‌کنم و از وحشت‌های آن روز نجاتش می‌دهم» (امینی، ۱۳۶۲: ۹۳/۵-۱۰۸). با بررسی متن مصاحبه‌های زائرانی که معنای «ثواب و عمل به تکلیف دینی» انگیزه اصلی و پررنگ‌تر در روایت آنها است، منظومه واژگانی و اپیزودهای اصلی معنایی زیر به دست آمد:

واژگان کلیدی: ثواب، عمل صالح، خیر، سبکی، پاکي، برکت، رضایت / آخرت، قیامت، عاقبت / تکلیف، عبادت، نماز، دعا، راز و نیاز، زیارتنامه، اذن دخول، حضور قلب، ضریح / امام حسین، اهل بیت، ائمه، صراط مستقیم، هدایت، توفیق، توبه / تکلیف، شرع، حدیث، روایت.

اپیزودهای اصلی معنایی: عوامل انگیزشی و دلالت‌ها: عمل به تکلیف دینی و شرعی، ثواب اخروی، نزدیکی به امام حسین و اهل بیت به عنوان عامل شفاعت، بخشودگی و عاقبت بخیری، جذب خیر و برکت و بیمه کردن زندگی.

زائرانی که انگیزه اصلی در روایت آنها «معنای ثواب و عمل به تکلیف دینی» است معمولاً زمان‌های دیگر از سال هم به زیارت می‌روند و رفتن به سفرهای زیارتی بخشی از اعمال و تکالیف دینی‌شان تلقی می‌شود. چنانچه با استناد به روایات و توصیه ائمه انگیزه اصلی سفرشان را شرح می‌دهند: «روایت هست که آدم بعد از برگشتن از زیارت کربلا دوباره متولد و گناهاش پاک می‌شود. همین ثواب زیارت‌ها است که برای آدم می‌ماند و ذخیره آخرت‌مان می‌شود. زیارت امام حسین در اربعین در روایات زیادی توصیه شده و ثواب زیادی دارد. در روضه‌ها زیاد شنیدیم که رفتن به زیارت اربعین از نشانه‌های مؤمن است برای همین اهمیت دارد» (نمونه ش ۸)؛ «اولین بار است که پای پیاده می‌خواهم بروم چون در روایات زیاد توصیه شده و ثواب زیادی دارد» (نمونه ش ۴). معمولاً اگر از این زائران در مورد انگیزه‌شان پرسیده شود، مسئله نزدیکی معنوی به اهل بیت، هدایت و ثواب اخروی و شفاعت امام را مطرح می‌کنند. در روایت این افراد امام حسین ﷺ همان سفینه نجاتی است که با او به سرمنزل مقصود و عاقبت خیر می‌رسند. این امید داشتن به شفاعت از سوی امام معصوم از دیگر معانیست که در



روایت زنان زائر فراوان مشاهده شده است. شفاعت به معنای واسطه قرار گرفتن فردی برتر در مقابل مقامی والا است.

زائران شرکت کننده در این امر آیینی، حضور خود را موجب وساطت معصوم با خدا دانسته و دل به آن محکم داشته اند که با قرار گرفتن در این راه از مقام شفاعت برخوردار گشته و عاقبت بخیری را در دنیا و عقبی برای خود رقم خواهند زد. از آنجایی که امام حسین علیه السلام در نزد خدا دارای مقام والایی هستند، زوار او هم به واسطه این امر بهره مند گشته و از خیر و جودی مقدسش در مقام خداوند بهره مند خواهند شد: «کسی که به زیارت امام حسین مخصوصاً ایام اربعین برود مورد شفاعت مستقیم خانم فاطمه زهرا و حضرت علی قرار گرفته و گویی خط بطلانی به روی اشتباهات گذشته او است. سر پل صراط خود امام حسین شفیع تمام مردمی می شود که با سختی به زیارتش می آیند. نیت و حاجت خاصی ندارم فقط امیدوارم بتوانم آدم بهتری بشوم. من آدم صبوری نیستم و خیلی اشتباهات در زندگی دارم. می خواهم امام حسین به من اخلاق خوب و صبر بدهد» (نمونه ش.....). در اینجا، خدا به واسطه امام حسین و مکان مقدس کربلا، برای زائر نزدیک تر و قابل درک تر است. همین واقعیت زائر اربعین را از احساس بیگانگی و غربت و تنهایی در زندگی و جهان نجات می دهد و با امید بخشوده شدن گناهان و پاکی او را به سوی خود جذب می کند. به عبارتی دیگر در این فضای ذهنی زائر خود را به عالم قدسی اتصال داده و با آرامش رضایت معبود احساس سرخوشی از بخشش گناهان دارد و در انتظار روزهای بهتر در دنیا و در جهان دیگر ادامه خواهد داد.

کارکردهای عمل به تکلیف دینی و امید داشتن به ثواب زیارت: دادوستد معنوی با امام حسین، امید به جاری شدن خیر و برکت در زندگی، دستیابی به آرامش و اطمینان خاطر، توفیق پیدا کردن، امید به آینده و عاقبت بخیری، احساس سبکی و پاکی بعد از زیارت. انسان مؤمن در انجام تکالیف دینی اش نوعی احساس رضایت عمیق می یابد که او را در انجام دوباره این اعمال و ادامه زندگی معنوی در سایه برقراری ارتباط قدسی و الهی کمک می کند: «هرچه که در راه امام حسین دادم صد برابرش را بهم برگردانده.

هرکار که با نیت امام حسین انجام بشود برکت زیادی می‌آورد» (نمونه ش ۸)؛ «سری قبل وقتی به زیارت امام حسین آمدم موقع برگشت احساس کردم توفیقات بیشتری نصیب می‌شود، اینکه کار خیرکنم و عبادت و نمازهایم را به موقع و با حال بهتری انجام بدهم» (نمونه ش ۴).

فرد مؤمن در زیارت به دنبال ثواب و پاکی است که اطمینان دارد به دست خواهد آورد. همین اطمینان به پاک شدن و به دست آوردن ثواب الهی، برایش منشأ امیدواری و آرامش در زندگی است. این امید در ذهنش آینده‌ای روشن را ترسیم می‌کند و زندگی کنونی را با احساس رضایت همراه می‌سازد. این احساس آرامش به خوبی در جملاتی که به کار می‌برند مشاهده می‌شود: «آدم در حرم امامان معصوم احساس آرامش می‌کند، تمام مشکلات دنیا را فراموش می‌کند. آدمی که زیارت می‌آید، پاک می‌شود. ائمه گفته‌اند که به زیارتشان برویم تا از ما دستگیری کنند، علماء بزرگ برای همین مرتب به زیارت ائمه می‌روند» (نمونه ش ۴).

پابندی به آداب زیارت: انجام کامل آداب زیارت، آمادگی و حضور قلب داشتن، حرمت حرم و ضریح را نگه داشتن، توجه به حضور امام، رعایت حق الناس. تقریباً همه زائران که در روایتشان انگیزه «عمل به تکلیف دینی و ثواب» پررنگ‌تر است، ترجیح می‌دهند حرم آنقدر شلوغ نباشد که امکان اینکه بتوانند در حرم به راحتی دعا و نماز بخوانند را از آنها بگیرد؛ از این رو در ایام اربعین این افراد کمتر به حال و هوای مطلوبشان برای زیارت دست پیدا می‌کنند و معمولاً نمی‌توانند آداب زیارت را با کیفیتی که در زمان‌های دیگر سال به انجام می‌رسانند، به جا آورند و از این رو بابت این ازدحام زائران گله دارند: «دوست دارم زیارتنامه را روبه‌روی ضریح بخوانم. انگار امام مقابلم ایستاده هم مرا می‌بیند و هم صدایم را می‌شنود، وقتی قبل از ورود به حرم اذن دخول می‌گیرم اشکم سرازیر می‌شود، چون توی آن لحظه یاد غفلت خودم و گناهانم می‌افتم، انگار خود امام را حاضر می‌بینم. به خاطر شلوغی، کلاً خیلی نزدیک ضریح نمی‌روم. اصل حضور در حرم است و امام همه‌جا ناظر و شاهد زائرش هست» (نمونه ش ۴)؛ «امیدوارم در این شلوغی بتوانم خوب زیارت کنم و توفیق انجام اعمالم را



پیدا کنم و نماز حاجت بخوانم برای آنهایی که التماس دعا داشتند. دوست دارم دستم به ضریح برسد چون زیارتم کامل تر می شود اما هیچ وقت کسی را هل نمی دهم تا دستم برسد» (نمونه ش ۸). در نوع نگاه این افراد پایندی بیشتری به آداب زیارت مشاهده می شود. آدابی که بیان کننده این است که «زائر پیش از ورود به مکان مقدس در جهان مادی قرار دارد. جهانی که باید پیش از ورود به این مکان با غسل و طهارت به نوعی آن را از خود بزدايد تا آماده ورود به مکان مقدس شود. اما ورود از این جهان مادی و آلوده به مکان مقدس ناگهانی نیست و مراحلی دارد. بر درگاه حرم ایستادن و دعا خواندن و اجازه ورود خواستن و اگر رقت قلب حاصل شد آنگاه وارد شدن. به همین دلیل مجموعه از کنش های رفتاری و بدنی به همراه اندیشه و احساس های مذهبی توأمان در فرد باید تعریف شوند و فرد آنها را اجرا کند».

زائرینی که به انجام مقدمات و آداب زیارتی پایبند هستند، معتقدند که در خلوتی حرم زمینه مناسب تری برای انجام زیارت مطلوب وجود دارد. اگرچه جمع، فضایی معنوی می سازد و در سایه جمع می توان «امر قدسی» را به نحوی قوی تر و نیرومندتر احساس کرد. به بیان دیگر زیارت جمعی منجر به عمیق تر شدن «احساس معنوی» در زائران می شود؛ در عین حال شامل مناسکی فردی نیز هست (کاشی، ۱۳۹۴). زائرانی که انگیزه ثواب و انجام دادن کامل اعمال زیارتی برایشان در اولویت است از زیارت در ایام اربعین، نسبت به دیگران کمتر احساس رضایت دارند.

۴- گفتمان روایی حاجت و شفا

زیارت اهل قبور و اماکن مقدس تأثیر بسزایی در التیام بخشی و تخلیه عاطفی زائران دارد و حاجت مندی جزو اساسی اعمال زیارتی شیعی محسوب می شود (ابن قولویه، ۱۳۷۷: ۵۵۷؛ مجلسی، ۱۳۷۹). طلب حاجت یکی از مهم ترین و جامع ترین انگیزه های زیارتی است. در روایت بسیاری از زائران «حاجت و شفا» برجسته ترین معنا است؛ چنانچه آن را علت و انگیزه اصلی سفر دانسته و به بیان آن می پردازند. انگیزه های که اغلب ناشی از وجود بحران، مشکل و مسئله ای لاینحل در زندگی افراد یا بیماری

لا علاج مربوط به خود یا نزدیکانشان است. رنج‌ها و سختی‌های این جهانی و هراس‌های مربوط به زندگی انگیزه‌ای قوی و معنابخش برای تجربه زیارت این افراد است. در واقع کارکرد زیارت همانطور که همیلتون (۱۳۸۷:.....) می‌گوید کارکرد التیام‌بخشی است؛ چرا که افراد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، به‌خاطر اینکه دارای محرومیت‌های متفاوتی هستند، در دینداری و تعریف خود به‌عنوان شخص دیندار، بر جنبه‌ها و ابعاد مختلفی از دینداری تأکید دارند (استارک، ۱۹۸۶: ۲۲۳-۲۲۵). از طرفی این دسته از زائران پیوند چندانی با گروه‌ها و جماعت‌های مذهبی ندارند. دینداری افراد با شدت و نحوه پیوند آنها با گروه‌های اجتماعی ارتباط دارد (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۸۹). این افراد نیز دینداری در حد یک مسلمان عادی دارند و انگیزه‌های دینی و ایدئولوژیک خاصی ندارند. در بررسی متن مصاحبه‌های زائرانی که «حاجت و شفا» انگیزه اصلی و پررنگ‌تر در روایت آنها است، واژگان کلیدی و اپیزودهای اصلی معنایی زیر وجود دارد:

واژگان کلیدی: حاجت، مراد، نذر، شفا، نیت / نیازمندی، گرفتاری، مشکل، درد، بیماری / امام حسین، مراقب، حافظ، نگهدار.

اپیزودهای اصلی معنایی: رها شدن از رنج بیماری، بچه‌دار شدن، سر و سامان گرفتن، ترک اعتیاد، کمک و دستگیری، بهتر شدن وضعیت زندگی و معیشت. از مهمترین انگیزه‌های حضور زنان در پیاده‌روی اربعین که بنابر ترجیحات ضمنی، بعضی از سوژه‌های زائر سعی در کتمان آن داشتند و نیاز به برقراری ارتباط صمیمانه بیشتر از جهت کشف آن داشت، حاجت‌مندی نسبت به امور دنیایی و شفا بود. مسائل و مشکلات حاکم بر زندگی اجتماعی و خانوادگی، وضعیت نابسامان اقتصادی، فشارهای روحی و روانی، فرد را بر این امر واداشته که برای اتصال به امر قدسی و رهایی از فشارهای پیرامون، قدم در این راه نهاده و در یک فضای مناسکی و مشارکت جمعی معنوی حضور پیدا کند. اگرچه اشاره بر امر حاجتمندی از جانب اکثر افراد از یک بعد پنهانی برخوردار بوده و کمتر به آن پرداخته می‌شد. میزان اهمیت این آیین با توجه به مقام والای امام حسین علیه السلام و حادثه کربلا این اطمینان خاطر را بر افراد شرکت



کننده القاء می نمود که با یکبار حضور در این امر حاجت خود را دریافت کرده و یا به سطح دلخواهی از آرامش نائل خواهند آمد. در واقع احساس نیاز به آمدن زیارت در بسیاری از این افراد برخاسته از تجربه استجاب است. استجابتی که آن را به وساطت امام حسین علیه السلام نزد خدا نسبت می دهند. به عبارت دیگر احساس نیاز و عشق به امام حسین علیه السلام برخاسته از قدرت او در واسطه شدن برای استجاب دعا و گرفتن شفا است: «خواهرم ۱۵ سال بچه دار نمی شد. همه نوع دکتر رفت اما جواب نگرفت. آخر سر امام حسین حاجتش را داد، الان هر سال با بچه به کربلا می روند» (نمونه ش ۱۰)؛ «خیلی حاجت دارم؛ پسرم بیکار است، خودمان هم زندگی مان به سختی می گذرد. از امام حسین می خواهم همانطور که شفایم داد خودش دستمان را بگیرد. پسرم سرکار برود، سر و سامانش دهم. می خواهم همه جوانانمون خوشبخت بشوند» (نمونه ش ۱۰). واسطه دیدن امام حسین علیه السلام در انجام امور، برآوردن نیاز و حاجت و رفع گرفتاری ها زمینه نوعی گفتگوی دائمی در طول مسیر را برای فرد زائر فراهم می کند. به طوری که زائر برای حاجات و خواسته های اساسی و نیز برای مشکلات پیش پا افتاده و مشکلات عادی به امام حسین علیه السلام رجوع می کند: «امام خودش دعوتم کرده پس خودش هم حافظم هست، نمی گذارد مشکلی برایم پیش بیاید» (نمونه ش ۵).

افرادی که با نیت حاجت یا گرفتن شفا زائر امام حسین علیه السلام شده اند در خیلی از موارد به لحاظ دینداری و پایبندی به مسائل شرعی و ملزومات دیندارانه افرادی عادی به شمار می آیند. از بررسی متن گفتگوهای صورت گرفته با این افراد نشانه هایی از داشتن ویژگی های اعتقادی، بینشی و ایدئولوژیک خاص مشاهده نمی شود. همچنین این افراد غالباً از اقشار ضعیف جامعه هستند و مشکلات آنها بیشتر جنبه اقتصادی دارد: «من امسال پولم جور نبود. پسرم گفت بیا خودم هزینه هایم را می دهم. گفت امام طلبیدت، خدا برات بسازد. زنی بود که فرش زیر پایش را فروخته بود، شوهرش مریض بود، آمده که امام حسین بهش کمک کند تا زندگیش روبه راه بشود. همسفرها برات پول جمع کردند» (نمونه ش ۱۰). این دسته از زائران اغلب از اقشار ضعیف جامعه هستند که به خاطر شرایط نامساعد اقتصادی و معیشتی امید چندانی به

بهبود وضعیت زندگی خود ندارند. از این رو در زیارت امام حسین علیه السلام با تحمل رنج و سختی‌های پیاده‌روی اربعین امیدوارانه به دنبال گشایشی هر چند اندک در زندگی و اوضاع و احوال خویش هستند. به عبارتی در اثر «تعلیق امر مادی و روزمره» افراد فضای معنوی و برانگیزاننده‌ای را در طول مسیر پیاده‌روی اربعین تجربه می‌کنند که آنها را هرچند برای زمانی کوتاه از مشکلات و رنج‌هایشان جدا می‌سازد.

نتیجه

«معنا» یکی از با اهمیت‌ترین نیازهای زندگی انسان است که دین برای او فراهم می‌آورد؛ چرا که دین با هدفدار نشان دادن زندگی، آن را برای انسان‌ها معنادار می‌سازد. مناسک دین بستری برای برساخت و بازتولید این معنا هستند؛ به این ترتیب که فرد مؤمن در بستر مناسک به باورها و عقایدی که از دین دریافت کرده، عمل می‌کند. در جریان ارتباط میان باور و عمل دینی افراد فرایندی از معنابخشی صورت می‌گیرد؛ معنابخشی که تحت تأثیر تجربه دینی افراد در بستر مناسک امکان ظهور و بروز بیشتری می‌یابد. زیارت به‌عنوان یکی از مناسک مهم در ادیان مختلف از جمله تشیع، مصداق بارز این موضوع است. پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی درون‌نگرانه از معنابخشی زنان زائر به «مناسک زیارتی پیاده‌روی اربعین» صورت گرفته است؛ چرا که در دوران معاصر حضور زنان به‌عنوان سوژه‌های فعال اجتماعی در ایفای نقش‌های گوناگون از اهمیت بالایی برخوردار شده و به تبع آن در عرصه مناسک دینی نیز توجه و نگاه خاصی را متوجه خود ساخته است.

منابع

- آسا برگر، آرتور (۱۳۸۰)، روایت در فرهنگ عامه، رسانه و زندگی روزمره، ترجمه محمدرضا لیراوی، نشر سروش
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۲)، الغدیر، ترجمه محمدتقی واحدی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.
- اتو، رودلف (۱۳۸۰)، مفهوم امر قدسی؛ پژوهشی درباره عامل غیرعقلانی مفهوم الوهیت و نسبت آن به عامل عقلانی، ترجمه همایون همتی، تهران، نقش جهان.

- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- شریعتی، سارا و آرمان ذاکری، (۱۳۹۴)، موقعیت دین در جامعه ایران: قدسی تقدس زدایی شده، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، تهران، شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- شریعتی مزینانی، سارا و شیما غلامرضا کاشی، (۱۳۹۴) سیالیت و مناسک دینی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، شماره ۳، پاییز، ص ۹۷-۶۱.
- کاشی، شیما (۱۳۹۴)، الگوهای زیارتی جوانان، مطالعه موردی دو الگوی زیارتی در مشهد اردهال، خلاصه پایان نامه‌های همایش ملی مطالعات اجتماعی دین، انجمن جامعه شناسی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چنگی آشتیانی، مریم (۱۳۸۸)، بررسی جامعه شناختی کارکرد معنا بخشی دین در آثار محمد حسین طباطبایی
- گیسلر، نورمن ال (۱۳۷۵)، فلسفه دین، ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی، تهران، حکمت.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ثالث.
- یوسفی، علی و همکاران (۱۳۹۱)، پدیدارشناسی تجربی زیارت امام‌رضا(ع)، دوره ۶، ص ۱۸۰-۱۹۸.

